



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۵/۲۷

نویسنده: بهادر ا کومار  
مترجم: رسول رحيم

## ناسیونالیسم افغانستان با چلنج وجودی رو به رو است

منبع: اندین پنچ لاین 24 می 2021

بخش اول

چیستان افغانستان در حال جهش است شروع بیرون رفتن نیروهای امریکائی و پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) از افغانستان یک آغاز بلاوقه بوده است. تا اکنون کدام سکتگی در آن وجود نداشته است. یک علامت چشمگیر در آن تعطیل پایگاه نظامی بزرگ امریکائی در قندهار واقع در جنوب افغانستان می باشد.

برخی موارد حزن انگیز نیز وجود دارند. گزارش خبری که توسط واشنگتن پست انتشار یافته است، حاکی از آن است که « جنگ علیه طالبان برای ماه ها در حومه شهر قندهار در حال نوسان قرار گرفته است. قندهار که دومین شهر بزرگ افغانستان می باشد. این شهر دارای موقعیت استراتژیک و ارزش نمادین است. باری این ولایت مصروف ترین پایگاه نظامی ناتو را در خود جا داده بود که دارای یک مرز طولانی و قابل نفوذ با پاکستان بوده و جایی است که طالبان برای نخستین بار در آنجا رسماً بسیج شدند.»

این حقیقت که در خلال صرف سه هفته که رسماً بیرون رفتن نیروها در اول ماه می آغاز گردیده است، بیست درصد پروسه بیرون رفتن نیروها موفقانه تکمیل شده است. چنین چیز موجب رضایت پنتاگون یا وزارت دفاع ایالات متحد امریکو همچنان متحدان ایالات متحد امریکا در اروپا می باشد.

به نظر می رسد که ترس پنهان واشنگتن و بروسل از سرکشی، اذیت و تحقیر نیروهای غربی در حال عقب نشینی ( که شامل نیروهای ناتو نیز می شود) به طور ثابتی در حال فرونشستن است. در نتیجه به طور فزاینده ای تدابیر اعتماد سازی در مورد آینده، پیش بینی هائی را مطرح می نماید که در اظهارات ینس استولتنبرگ دبیرکل پیمان اتلانتیک شمالی یا ناتو در مورد یک حضور نامحدود نیروهای این اتحادیه در افغانستان حتی در یک نقش تعدیل یافته آن، بازتاب می یابد.

قابل توجه این است که استولتنبرگ در حین ملاقات با امانوئل مکران رئیس جمهور فرانسه در پاریس بوده است. آلمان نیز در ارتباط با ادامه حضور ناتو در افغانستان موافق می باشد.

از قرار معلوم پاکستان نیز می کوشد طالبان را وادار می سازد که با ضرب الاجل تجدید نظر شده ایالات متحد امریکا و ناتو برای بیرون کشیده نیروها « همکاری» کنند. این علی رغم آن شکایت های تهدید آمیز می باشد که وقتاً وقتاً از جانب طالبان در ارتباط با تخطی اداره بایدن از توافقات اصلی پیمان دوحه در مورد زمان تکمیل بیرون رفتن نیروهای امریکائی در اول ماه می اظهار می شود.

به بیان دیگر، پاکستان در مورد بیرون رفتن منظم و محفوظ نیروهای نظامی انتظارات غربی ها را افزوده است) برعکس آنچه در ویتنام اتفاق افتاد). این امر به نوبه خود امکانات جدیدی را مطرح ساخته است. چنانکه امریکائی ها یک ضرب المثل دارند که بین دو معامله دار که هر دو سود می برند، چیزی به نام نان چاشت مفت وجود ندارد، بنابراین، برای جانب پاکستان نیز مشروع است که در مقابل، از اداره بایدن چیزی بطلد. در حقیقت مناسبات ایالات متحد امریکا و پاکستان از نظر تاریخی گاهنامه همان "نان چاشت مجانی" بوده است که وابسته به شرایطی می باشد. به طور اجتناب ناپذیر در جریان زمان، دیالکتیک بین دو شرط انفکاک ناپذیر در مورد برخورداری از «نان چاشت مجانی» و «معاوضه بالمقابل» برای تحکیم و تقویت متقابل همدیگر به وجود می آید. همه شواهد دلالت بر آن می کنند که این نمونه آشنا در مناسبات پرمسئله ایالات متحد امریکا و پاکستان بر می گردد. این امر موجب برخی نگرانی ها در کابل و دهلی جدید و شاید هم بیجنگ و مسکو و تهران می گردد.

بنابراین، بازدید های مکرر مقام ارشد نظامی بریتانیا از راولپندی در ماه های اخیر باید بر آن دلالت کند. هرگاه گفته نهایت غم انگیز شاهزاده خانم فقید دیانا را در مصاحبه اش با "بی بی سی" در مورد « سه نفر در یک رابطه

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

« به عاریت بگیریم، همیشه یک حضور معلق بریتانیا در مناسبات ایالات متحد امریکا و پاکستان وجود داشته است، که مدام حاضر به کار بوده است، اما دایم سرش را در عقب پشته خاکی پنهان می کرده است. به طور خاص، مادامی که پای مناسبات پاکستان و افغانستان مطرح می شود، این مورد آزار دهنده از نگاه تاریخی در این منطقه از لارد کرزن به ارث مانده است. بنابراین، جستجو راه حلی برای افغانستان آن را تشدید می نماید و نقش بریتانیا مهم می گردد.

جای شگفت نیست که در این نشست جنجالی که در دهم ماه می در کابل که بین جنرال قمر باجو لوی درستیژ (رئیس ستاد ارتش) پاکستان و اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان صورت گرفت، جنرال نیکولاس پاتریک کارتر لوی درستیژ یا رئیس ستاد ارتش بریتانیا نیز حضور داشت. (جنرال کارتر و جنرال باجو به طور جداگانه نیز ملاقات کرده بودند).

کاملاً آشکار است که لندن از دوماه پیش که جنرال کارتر در اوایل ماه مارچ در مقر فرماندهی اردوی پاکستان در راولپندی با لوی درستیژ پاکستان مشورت نمود، روی دیدار غنی و بجوا به سختی کار می کرد. نظر نیک کابل در مورد کارتر او را یک میانجی کامل ساخته است. بعداً غنی در دهم ماه می در ملاقاتش با باجو در کاخ ریاست جمهوری، به گرمی از کارتر یاد کرده و گفت: «جنرال کارتر دوست هرودی ماست. ما همدیگر را برای ده سال هنگامی که او فرمانده نیروهای "ایساف" در قندهار بود، می شناسیم. او آدم فوق العاده ای است. گاهی در تاریخ اتفاق می افتد که افراد خاصی در بحران ها گردهم می آیند.»

در واقع این علایم آن است که بریتانیا در عقب صحنه بی سرو صدا کار می کند تا تفاهمی در مورد خط مورد مناقشه دیورند به وجود آورد (کابل آن را به رسمیت نمی شناسد). البته این خط میراث بریتانیا است که در صورت عدم یک ترتیبات امنیتی جدید، این مشکل به طور معند باقی می ماند. به طور کلی نخبان کابل تلاش های جنرال کارتر را با روحیه مثبت می بینند، با در نظر داشت اینکه مسئله خط دیورند دارای اهمیت اساسی است و تا زمانی که یک ترتیبات قابل قبول در امتداد آن برای هر دو جانب به وجود نیاید، مناسبات پاکستان و افغانستان در سایه آن قرار می گیرد.

پاکستان آرزومند است که به حیث یک اقدام اعتمادساز، میزبان ملاقاتی بین غنی و مولوی هیبت الله آخوند زاده رئیس طالبان در آینده نزدیکی باشد. قابل درک است که کابل به این نظر رسیده است که تفاهم در مورد مسئله خط دیورند، شاید بهائی باشد که برای رفتار حسن همجواری پاکستان و به ویژه عدم مداخله راستکارانه اش در مورد افغانستان، به خصوص اعمال قدرت از ورای خیبر پرداخته شود. اما این بازم همان وضعیت تخم و مرغ است و از این جهت است که چرا نقش میانجی گرانه قدرت استعماری قدیمی می تواند تفاهم دو جانبه به وجود آورد.

درواقع بریتانیا نیز می خواهد یک نقش "عملی" به عهده گیرد. بنابراین، همه علائم دال بر آن است که بریتانیای کبیر در همه عملیات های نیروهای ویژه در افغانستان بعد از دوران یازدهم سپتمبر یعنی هنگامی نیروهای غربی به شکل تصویری یا موهومی بیرون می می روند، دوش به دوش ایالات متحد امریکا کار می کند.

این سود مند است که در نظر گرفته شود که بعد از بیرون رفتن بریتانیا از اتحادیه اروپا یا "بریکزیات"، این کشور تصمیم گرفته است که در ستراتیژی "اندو- پاسفیک" ایالات متحد امریکا برای مهار زدن به عروج چین یک مشارکت فعال داشته باشد. پیش بینی اینکه چه شکلی این نقش بریتانیا می داشته باشد، در ماه مارچ در یک سازماندهی مجدد همه جانبه که بخشی از یک تغییر استراتژیک بزرگ در چارچوب رقابت های قدرت های بزرگ می باشد، تاکید روی واحدهای عملیات های ویژه صورت گرفت که نیروهای عملیات ویژه بریتانیادر آینده مطابق به مدل همتای ایالات متحد امریکایش دچار تغییر می شود.

در این سند 70 صفحه ئی استراتژی نظامی بریتانیا که عنوان "دفاع در عصر رقابتی" دارد و در ماه مارچ به مجلس عوام تقدیم شده است، چین و روسیه خطر بسیار مهم برای بریتانیا نگریسته شده و اگرچه گفته شده است که اردوی بریتانیا کاهش می یابد، اما انتظار می رود که علیه بیجنگ و مسکو دارای قدرت رقابتی بیشتر باشند. واحدهای عملیات ویژه بریتانیا و یا واحدهای عملیات ویژه داری قدرت رقابت بریتانیا، می توانند در دو بخش تقسیم شوند- بخش اول آن مشتمل از خدمات ویژه هوایی (SAS)، خدمات ویژه کشتیرانی (SBS)، قطعات ویژه ترصد (SRR) و گروه حمایت نیروهای ویژه (SFSG) می باشند که تمرکز آن ها بر ضد تروریسم، نجات گروگان ها، جمع آوری اطلاعات، و عملیات مستقیم می باشد. این درحالی است که بخش دوم آن شامل کماندوهای بحری شاهی، قطعه پراشوت و قطعه (18 Signals) است. جناح مشترک نیروی ویژه هوایی، انتقالات هوایی و حمایت از همه واحدهای بالا را فراهم می گرداند.

همه این ها در تحت فرماندهی و نظارت (Joint and National Mission Formations) و (Overseas Operations) می باشند. جالب آنکه فقط دو هفته پس از بازدید جنرال کارتر از راولپندی در اوایل ماه مارچ برای ملاقات با باجو، اخیرالذکر (باجو) بازدید کننده دیگری از بریتانیا داشت، یعنی با جنرال سر پاتریک نیکولاس یاردلی راد ساندرز، فرمانده قوماندانی استراتژیک بریتانیا ملاقات کرد.

اعلامیه اداره تبلیغاتی بین‌الخدماتی اردوی پاکستان (ISPR) در این مورد گفته است: « در جریان این ملاقات در (25 مارچ) موضوعات حرفوی و مورد علاقه دو جانب و مسائل امنیت منطقوی مورد بحث قرار گرفت. این قوماندان ارشد نظامی بریتانیا از تلاش‌های خالصانه اردوی پاکستان در جنگ علیه تروریسم و تلاش برای آوردن صلح و ثبات در منطقه، به ویژه پروسه صلح افغانستان یاد آوری و خشنودی نمود.»

بدون تردید این بازدیدهای دو جنرال نهایت ارشد نیروهای مسلح بریتانیا با چنین تناوب سریع از راولپندی-بازدید لوی درستیز و فرمانده قوماندانی استراتژیک بریتانیا- در ارتباط با برنامه‌گذاری عملیات امنیتی آینده در افغانستان به دنبال بیرون رفتن نیروهای ایالات متحد امریکا از آن کشور بوده است. پنتاگون یا وزارت دفاع ایالات متحد امریکا به خوبی می‌داند که بریتانیایی‌ها در عملیات ویژه پیش‌آهنگ اند، چه این عملیات در افغانستان باشد و یا مناطق همجوار آن.

همه این‌ها احتمالاً بیانگر کنج‌کاوای شدید در مورد برخی فعالیت مخفی مشترک باشد که توسط نظامیان ایالات متحد امریکا و پاکستان با تب و تاب در منطقه قبایلی پاکستان ( "فتا" یا آن منطقه ای قبایلی که به شکل فدرالی اداره می‌شود و قبلا منطقه آزاد خوانده می‌شد) و در مرز افغانستان قرار دارد، در حال اجرا می‌باشد و از شیلوزان تا تری منگل و جازو میدان را در بر می‌گیرد و در سمت پاکستان خط دیورند پایگاه نظامی ساخته می‌شود.